

دکتر محسن آشتی

# جوانان را به نظم و ترتیب عادت دهیم

در هر محفلی بحث از جوانان و مسائل مربوط بآنها بمیان میآید، همه بالاتفاق اذعان دارند که جوانان امروز باهوش تر و مطلع تر از گذشته و آماده تر برای درک موضوعات و مسائل بسیار مشکل و پیچیده هستند. درباره تحولات و دگرگونیهای اجتماعی مملکت و جهان بخوبی و باروشنی و واقع بینی اظهار نظر میکنند و به بحث میپردازند و از موضوعات حساس و خصوصی و جنسی با کمال صراحت و بدون پرده پوشی و احساس حجب صحبت میکنند. کاری که مادر زمان جوانی هرگز نمیتوانستیم انجام بدهیم.

بیاد دارم که فقط برای طرح يك مشکل كوچك درسی بمربیان و با اعلام يك احتیاج كوچك از قبیل پول توجیبی یا تعویض كفش با اولیاء خود احتیاج بمقدمه چینی و بالا و پائین كردن كلمات و جملات در مغز و فکرو دهان و بین لبهای خود داشتیم و با هزار بار رنگ برنگ شدن و لکننت زبان منظور خود را بسختی بیان میکردیم و در غالب موارد آنقدر در اظهارات خود دچار عجز و ناتوانی میشدیم که مخاطب هر کس بود از درک مفهوم عاجز میماند و یا اینکه به بر آوردن منظورمان توجه و عنایتی نمیکرد.

این تحول در روش تفکر و اندیشه جوانان ما از چه چیز ناشی شده است؟ دگرگونیهای اجتماعی؟ تحولات و پیشرفت های صنعتی؟ تربیت و نحوه تعلیماتی که مربیان ما بآنها میدهند؟

آیا این شکسته شدن بندها و قیدها بین بزرگترها و کوچکترها نتیجه شکستی نیست که بر سپاه فتودالیم با اجرای برنامه های اصلاحی و فرم های بنیانی وارد آورده ایم؟

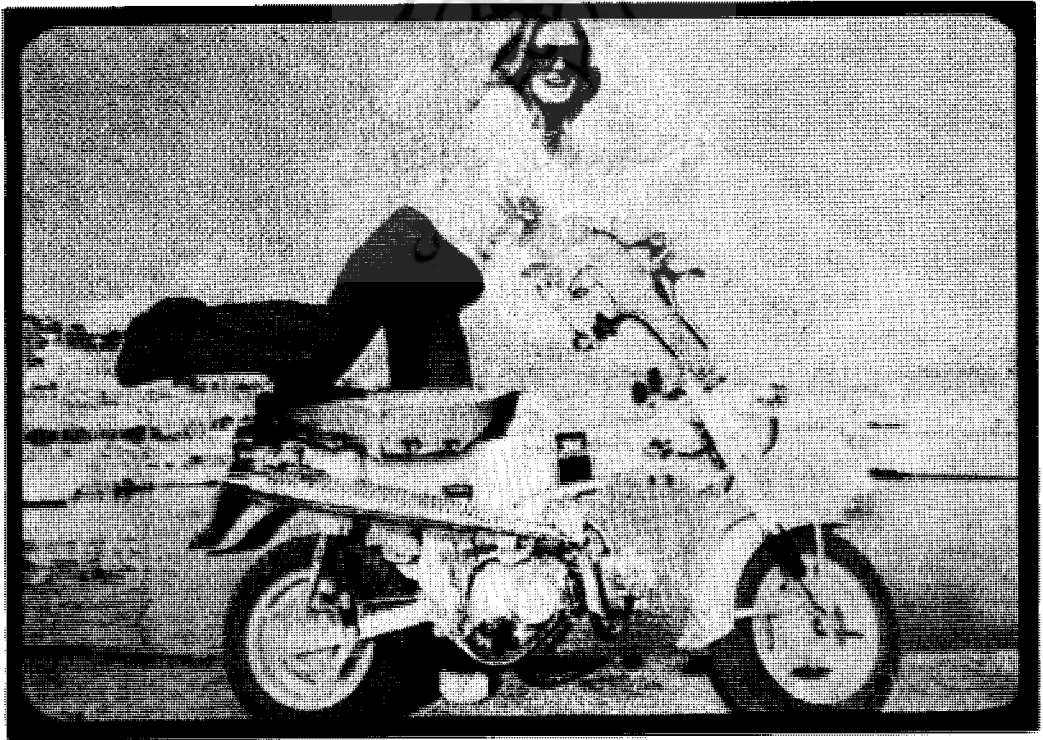
آیا چه شده است که اولیا و پدران و مادران نسبت بچوانان روشی دموکراتیک تر، آزاد منشانه تر و واقع بینانه تر پیش گرفته اند؟  
 آیا در مبارزه برای کسب قدرت یا بهتر بگوئیم در تلاش طبقه جوانان برای احراز مقام مناسب و شایسته - اجتماع - اولیا - مر بیان کدام يك بیشتر اثر داشته اند؟

بهر حال این مهم نیست که سهم کدام يك در این پدیده بیشتر بوده و چه تأثیری در این دگرگونی داشته اند و چقدر گذشت و بلند نظری از خود نشان داده اند مطالب این است که با این امکانات تازه و این آزادیهای بی سابقه و جدید جوانان ما میخواهند چه بکنند. چگونه

از آن استفاده نمایند که به پیشرفت هدفها و جاه طلبی ها و آرزوهای مشروع و معقول آنها کمک نماید و امکان خدمتی هم برای پیشبرد برنامه های مملکت بآنها بدهد تا در حرکت عمومی بسوی جامعه خوشبخت و سعادتمند نقش و اثر مطلوب را داشته باشند.

تردید نیست که در حال حاضر مادر کشورمان به يك تلاش پی گیر و همگانی و صحیح و مداوم نیازمندیم تا عقب ماندگیهای گذشته را جبران کنیم و خود را به قافله تمدن کشورهای پیشرفته و خوشبخت و بی نیاز سازیم .

اگر خوب دقت شود که غیر از عوامل مساعد طبیعی و مادی و امکانات مؤثر انسانی چه





روزانه را برای انجام کارها و دقت در رسیدن بموقع درمحل کار، محل درس، محل سینما و زمین ورزش وسایر موقیعت‌های اجتماعی را فاقد باشیم.

دیگر زمانیکه روزها و هفته بامیداینکه کاری را انجام بدهیم و آنکار را از امروز بفردا بیفکیم سپری شده است آنروزگاران که زارع و یا کارمند یا کارگر ایرانی مدتها بدون هدف در محلی یا کنار دیواری و یا در خانه خود می‌نشست و آمدورفت عموم را تماشا میکرد یا چپق میکشید و بامیخوابید و اگر کاری هم داشت برایش فرق نمی‌کرد که امروز آنرا انجام دهد یا روزهای دیگر و کسی نبود از او بازخواست کند گذشت امروز هر لحظه درنگ و سستی موجب توقف و رکود در گردش چرخهای اجتماعی خواهد شد.

شما قطعاً صبح‌های زود از خانه بیرون

چیز در موفقیت و احراز موقیعت ممتاز فعلی کشورهای بزرگ مؤثر بوده است خواهیم دید که از همه جهت يك موضوع بسیار بسیار مهم جالب بچشم میخورد و آن نظم و ترتیب و تلاش و کوشش پی گیر است.

این مسئله توجه و رعایت نظم که در بعضی جوامع بصورت عشق و علاقه شدید کلیه افراد بدان در میآید آنقدر در تسهیل و تسریع پیشرفت‌ها و برداشتن قدمهای بزرگ و غول آسا مؤثر بوده است که اندازه وحدی بز آن نمیتوان تصور کرد.

ما که خوشبختانه دوران بی‌برنامگی و بی‌هدفی را پشت سر گذاشته ایم و بدوران صنعت و تکنولوژی وارد شده ایم باید خوب بدانیم که از خصوصیات و ویژگیهای صنعت و ماشین دقت و سرعت و دخالت عامل زمان است. ما دیگر نمیتوانیم باماشین کار کنیم ولی رعایت وقت کوتاه

آمده اید مردمی رامی بینید که دنبال کار خود می‌دوند با سرعت می‌روند برای اینکه خود را با توبوس یا وسیله نقلیه‌ای برسانند و سر موقع بکار خود مشغول شوند .

آیا بیست سال پیش هم وضع اینطور بود؟ وارد شدن فکر سرعت و بموقع سرکار خود رسیدن از نتایج تحول صنعتی است که در دوران اخیر افراد کشور ما را از خود و رکود نجات بخشیده است و امیدواریم در تمام سطوح مملکت و مخصوصاً در روستاها این عشق و علاقه سرعت و کار و حرکت، بیشتر قدرت و قوت بگیرد بخصوص حالا که غالب افراد جمعیت فعال کشورمان خوشبختانه صاحب نتایج زحمات و کوشش‌های خود میشوند و حاصل دسترنج و کار آنها را دیگران به بیغمانی برند.

اما برای اینکه از موضوع جوانان دور نشده و بحث را به محور اصلی خود متوجه کرده باشیم باید بگویم که با خصوصیات و صفاتی که برای آنها بر شمرديم در بعضی موارد متأسفانه از یکی دو خصلت یا نارسائی روحی و خلقی بحد کمال رنج می‌برند، اگر نگوئیم بهر مندند!! و آنهم کم کاری و بی توجهی بنظم و ترتیب است.

باید گفت که این خصلت کم کاری احتمالاً میتواند از آنجا ناشی شود که جوانان ما هر چه خواسته‌اند بزودی و آسانی بدست آورده و یا اگر بمطلبی و مشکلی برخورد کرده‌اند سهولت بر آن دست یافته و نیز مسائل درسی و معضلات تحصیلی خود را با معلمان مجرب و رادیو و تلویزیون و یا مربیان خصوصی آسانی حل و فصل کرده‌اند.

امروز کمتر جوانی را می‌بینید که پیاده بمدرسه برود . تا چند سال پیش نوجوانان مملکت کیلومترها راه برای رسیدن بمحل و تحصیل طی میکردند حالا با اتومبیل‌های شخصی بمدرسه می‌روند .

امروز برای کارگران هم سرویس اختصاصی ایجاد شده و امر یادگیری با انواع کتب خوب و مصور و وسایل سمعی و بصری سهل گردیده است .

پول توجیبی جوانان بحد قابل توجهی افزایش یافته . وسایل تفریح و وقت گذرانی گوناگونی در اختیار دارند . در حقیقت زندگی برای آنها آسانتر شده است . کسی که برای رسیدن به چیزی از مقاصد خود تلاش فوق‌العاده بعمل نمی‌آورد لاجرم بطور ناخودآگاه، تن پرور و تن آساو راحت طلب میشود و راحت طلبی مداوم و مستمر، قدرت حرکت و تلاش را برای ادامه زندگی از ایشان میگیرد .

هرگونه برنامه ریزی و وقت شناسی و استفاده از موقعیت و فرصت بفراموشی سپرده میشود و جای خود را به بی نظمی و فرار از انضباط مسئولیت میدهد .

متأسفانه این روحیه فرار از قواعد و اصول متداول و بامدون ، در سالهای اخیر و در جامعه جوانان ما بسیار بچشم می‌خورد . در نحوه لباس پوشیدن - آرایش - راه رفتن - رانندگی گاهی آنقدر بی نظمی و حتی ولنگاری دیده میشود که انسان در بادی امر خیال میکند یا اصلاً تعلیمی در جهت حفظ نظم و ترتیب ندیده‌ایم و یا اینکه رسالتی برای شکستن و از میان بردن هرگونه

قید و بندی بنام قواعد و نظامات اجتماعی داریم.

اگر احیاناً نسل گذشته بر عایت یک سلسله اصول و قواعد خود را پایبند نمیدانست ممکن بود عمل آنها را اینطور توجیه کرد که مثلاً سواد ندارند - مملکت در یک نظام کهن فتودالیته زندگی میکند، ماشینیسم هنوز بکشور رسوخ پیدا نکرده و وقت ارزش و اهمیتی ندارد، اما حالا که اکثریت جمعیت کشور ما جوان است و خوشبختانه از مظاهر مادی و معنوی زندگی بیشتری برخوردارند، در هوش و استعداد بدون تردید از پیشینیان خود پیشی گرفته اند و میتوانند امیدهای بزرگی برای ساختمان جامعه ای سالم و نیرومند بوجود آورند، چرا باید از نظم و ترتیب که اساس استحکام مبانی قدرت و سعادت ما است روگردان باشند؟ جوانان ما باید بدانند که برای بوجود آوردن دنیائی بهتر بایستی انسانهایی دیگر باشیم. بیاد بیاوریم که انسانهای عصر ما شین مجبورند وقت شناسی و حرکت منظم و مستمرا از ما شین بیاموزند. اتفاقاً دستور العمل ها و قصه های اخلاقی و دینی و سنت های کهن وادیات کلاسیک مانیز نظم و ترتیب را لازمه یک زندگی سالم و موفقیت آمیز موعظه می کنند.

تک تک ساعت چه گوید گوش دار. . . الی

آخر، داستان حرکت کند ولی منظم و مستمر آن لاک پشت که بر خرگوشی تیز پایشی گرفت. . . انجام مراسم مخصوص مذهبی در ساعات معین روز هفته و سال. . . همه حکایت از ایمان و اعتقاد عمیق و قلبی پیشینیان و متفکران ما بر آثار و نتایج معجز آسازندگی ساز نظم و ترتیب دارد، و استمرار و استقامت موجودیت و هستی ما را همین اصول و مبانی اخلاقی و کهن تامین و تضمین نموده و عجیب است که این تنها موردیست که سنت طلبی با ترقی خواهی عصر ما شینی میبایست و اختلافی ندارد یعنی بشر از دیر باز باین حقیقت پی برده است که برای موفقیت در میدان مبارزه حیات احتیاج بر عایت اصول و موازینی دارد که او را برای رسیدن بمقصد کمک نمایند.

سخن کوتاه، آینده مملکت بدست جوانان است زندگی در جهان امروز که بکمک ماشین فاصله هائز در یک زمانها کوتاه گردیده آسان نیست. برای زنده ماندن نیاز به تلاش و کوشش و رعایت نظم و انضباط و کار مداوم داریم بستگی های ما بادیای خارج خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت و همت و سعی خواهد انداخت. منتها امکان خدمت بجامعه و خود برای جوانان، امروز که اداره کنندگان فردای مملکت خواهند بودند در صورتی بیشتر پدید خواهد آمد که الزامات دنیای ما شینی را با سنت های پسندیده کهن تلفیق کرده و همراه سازند.